



## یادداشت

### هزینه خسارات سیل را بنیادهای ثروتمند بپردازند!

#### صادق کار



گزارش‌های متعدد منتشرشده در رسانه‌های مختلف همگی حکایت از آسیب‌دیدگی شدید صدها واحد تولیدی خرد کلان و تعطیلی و بیکار شدن ده‌ها هزار نفر از کارگران آن‌ها در اثر سیل ویرانگر دارد. متأسفانه با ادامه باران‌های سیل‌آسا در مناطق مختلف کشور همچنان شمار واحدهایی که در اثر سیل از فعالیت بازمی‌مانند و شمار کسانی که به این خاطر بیکار و درآمدشان را از دست می‌دهند در حال افزایش‌اند و به‌درستی معلوم نیست که واحدهای آسیب‌دیده چه موقع می‌توانند فعالیت‌هایشان را از سر بگیرند.

بنا به گزارش خبرگزاری "اپلنا" تنها در دو شهر پل‌دختر و معمولان تاکنون حداقل ۵۳۰۰ کارگر ساختمانی و صنوف از کار بیکار شده‌اند و این حجم بیکاری در این شهرها در شرایطی است که از قبل از این آمار بیکاری در این شهرها بالغ بر ۲۰ درصد بوده است. در شوش مجتمع صنعتی - کشاورزی نیشکر هفت‌تپه به قراری که "احمد شجیراتی" معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان خبر داده ظاهراً به خاطر آب‌گرفتگی تعطیل شده است. در دیگر شهرهای سیل‌زده نیز وضعیت کمابیش مشابه است. بعضی گزارش‌ها شماره کسانی را که در اثر سیل شغلشان را از دست داده و ممکن است بدهند تا چند ده هزار نفر تخمین می‌زنند. افزون بر بیکاری به واسطه سیل بسیاری از کالاهای ضروری کمیاب و قیمت آن‌ها به شدت طی یکی دو هفته اخیر بالا رفته و در چنین اوضاع آشفته‌ای خیلی از شاغلین در واحدهای غیردولتی تکلیف دستمزد و حقوقشان در ابهام قرار دارد، و بعید است که در مدت بلاتکلیفی همه آن‌ها بتوانند از حقوق و دستمزد دوران بیکاری برخوردار شوند. وضعیت کشاورزان مناطق سیل‌زده حتی به مراتب بدتر از کارگران واحدهای تولیدی است؛ و کلاً خساراتی که در اثر سیل به مردم و زیرساخت‌های کشور وارد شده است، بسیار هنگفت و جبران همه آن‌ها با نظر داشت وضعیت اقتصادی کنونی و ریخت‌وپاش‌های نهادهای مختلف حکومتی و فساد حاکم بر آن‌ها به سرعتی که بازسازی نیاز دارد بعید است انجام شود. تشدید تحریم‌ها و اثر تحریک‌های تنش‌زا اخیر ترامپ و متحدانش نیز در این میان به بدتر شدن هرچه بیشتر بحران اقتصادی موجود که هم‌اکنون هم بسیار وخیم است دامن زده و به دست‌آویز دیگری برای کانالیزه کردن درآمدهای کشور به سوی نظامیگری تبدیل شده و امکان بازسازی را که ضرورت عاجل دارد به تأخیر می‌اندازد.

در این میان درحالی‌که مردم سیل‌زده در تنگنای شدید قرار دارند و در مناطق سیل‌زده خشمشان از ناکارایی نهادهای حکومتی در کمک‌رسانی را به عینه بی‌مهابا نشان می‌دهند، جناح‌های رقیب حکومتی که هیچ‌کدام کمتر از دیگری در افزایش ابعاد خسارات هنگفت این فاجعه و ایجاد تنگناهای اقتصادی از دیگری کم تقصیرتر نیست بجای افزایش امدادسانی و اسکان انبوه مردمی که خانه‌خراب و آواره شده‌اند، مشغول رقابت و متهم کردن یکدیگر به قصور و دادن وعده‌های سرخمرن به مردم ستم دیده هستند. درحالی‌که بازسازی بایستی فوری آغاز شود اما بیم آن می‌رود که به بهانه کمبود بودجه بازسازی مناطق سیل‌زده به سرنوشتی مشابه زلزله‌زدگان بم و کرمانشاه دچار شود و سال‌ها به درازا بکشد.

دولت برای شروع بازسازی ظاهراً دو میلیارد دلار از صندوق ذخیره ارزی را به این کار اختصاص داده است که به عقیده کارشناسان این مبلغ نسبت به مقیاس خسارات حتی اگر بدون ریخت‌وپاش و در جهت درست مصرف شود جوابگوی بخش کوچکی از خسارات است.



در این میان اما نهادهای متعددی وجود دارند که در واقع با اینکه جز اموال عمومی هستند و ده‌ها میلیارد ثروت و درآمد کشور را در انحصار خود درآورده‌اند اما درآمدهایشان را در جاهایی و در کارهایی هزینه می‌کنند که نه تنها فایده‌ای برای مردم و کشور ندارند، بلکه مشکلات و بحران‌هایی را برای جامعه به وجود می‌آورند که هزینه‌های کلانی به کشور وارد می‌کند و مردم باید هزینه کارهای آنها را نیز بپردازند. اینک زمان آن رسیده که این بنیادها با تمام ثروت و دارایی‌هایشان بجای اینکه صرف ماجرایی و هزینه‌تراشی برای مردم و کشور و به جیب مشتکی مفت‌خور سرازیر شود به مردم برگردانده شود و صرف بازسازی تأسیسات خسارت‌دیده از سیل و بهینه‌سازی و تجهیز کشور برای مقابله با فجایع طبیعی آتی و زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی از رمق افتاده شود. آری بودجه وجود دارد و مردم تأخیر در بازسازی ناشی از سیل‌ها را که خود حکومت در افزایش ابعاد خسارات انسانی و مالی آن نقش زیادی داشته به بهانه کمبود بودجه نخواهند پذیرفت.



## کار، مسکن، آزادی



## افزایش دستمزد کارکنان دولت قربانی اختلاف دولت و مجلس مراد رضایی



با وجود سپری شدن حدود یک ماه از سال نود و هشت، مجادله‌ی دولت و مجلس بر سر میزان افزایش حداقل حقوق کارکنان دولت به نتیجه نرسیده است. افزایش چهارصد هزار تومان، به اضافه‌ی ده درصد، پیشنهاد مجلس و افزایش بیست درصدی، مورد نظر دولت بوده است. حال به نظر می‌رسد با توجه به گذشت زمان، دولت توانسته است حرف خودش را به کرسی بنشاند و با بیش از ۲۰ درصد افزایش حقوق کارمندانش موافقت نکرده است.

شورای عالی کار، در اسفند نود و هفت، افزایش حقوق حدود سی و شش درصدی را برای کارگران در نظر گرفت. این در حالی است که با توجه به افزایش حدود سه برابری قیمت دلار، این تغییر در میزان حداقل دستمزد دریافتی بیشتر به منزله‌ی کاهش دستمزدهاست. اما دولت در مورد کارکنان خود قائل به این افزایش نیز نیست و مبلغی کمتر از آن را به اجرا می‌گذارد.

مجادله میان دولت و مجلس بر سر حداقل دستمزد کارکنان دولت، در انتهای سال گذشته به درگیری لفظی نیز کشیده بود. مجد باقر نوبخت، که اکنون به عنوان مشاور رئیس جمهور فعالیت می‌کند، گفته بود حتی در صورت تصویب مجلس، دولت قادر به اعمال این افزایش نیست. لاریجانی، رئیس مجلس نیز در پاسخی کوتاه گفته بود هر کس چنین چیزی گفته، بیخود کرده است! دعوایی کودکانه که نشانه‌ی بی‌قانونی و نامتعارف بودن روابط مجلس و دولت در ایران است.

اما دولت تنها به شاخ و شانه کشیدن‌های لفظی اکتفا نکرد و ظاهراً حداقل در دو ماه ابتدایی سال نود و هشت، نظر دولت در زمینه‌ی حداقل حقوق اعمال خواهد شد. نکته‌ی مهم در چنین روندی این است که حتی در اختلاف نظرهای جناحی مابین قوای مختلف جمهوری اسلامی، طبقه‌ای که در قبال فروش نیروی کار خود حداقل مبالغی برای امرار معاش دریافت می‌کند، قربانی می‌شود.

مساله‌ی دیگر این است که در صورت وجود سندیکاها و تشکل‌های مستقل، این مجادله نه میان دولت و مجلس که مابین سندیکا و دولت انجام می‌شود. اتکای سندیکاها به تعداد افراد شاغل عضو سندیکا خواهد بود که در صورت ضرر اعضا، در تصمیمات دولت، بتواند حق اعضا را استیفا کند.

کارکنان دولت علاوه بر کارمندان بخش‌های مختلف، معلمین هستند که سال گذشته سه تحصن سراسری در اعتراض به کم بودن دستمزد دریافتی برگزار کردند. این تحصن‌ها از سوی دولت با دستگیری ده‌ها نفر از معلمان معترض پاسخ گرفت و مطالبات معلمان نادیده گرفته شد. حال با این تصمیم ظالمانه و غیر قانونی، کارمندان و معلمان از دریافت حداقل حقوق قانونی نیز محروم می‌شوند.

اما اصطلاح کارمند نیز فقط افراد پشت میز نشین را شامل نمی‌شود. در سال‌های گذشته چند هزار کارگر به ویژه در صنعت نفت، تنها به دلیل کم کردن میزان عیدی دریافتی، در لیست‌های مشاغل و روی کاغذ، وارد دایره‌ی کارمندان دولت شدند. در واقع این کارگران همان مشاغل پیشین را داشتند. اما نام شغل آنها در اسناد شغلی کارمند قید شد. اختلاف میان دولت و نهادهایی همچون سپاه، بیشتر موجب بیکار شدن کارگران پیمانکاری‌های راه‌سازی و ساخت مسکن نیز شده بود. در واقع با توجه به نبود نهادهای مستقل کارگری، تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی کارگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بدون نظر خواهی از کارگران انجام می‌شود.

**از خواست و اعتراضات کارمندان و کارگران برای افزایش واقعی دستمزد و  
حقوق شان حمایت کنیم!**



## چرا هنوز این همه شغل وجود دارد؟ بخش سیزدهم

### تاریخ و آینده اتوماسیون کار

نویسنده: دیوید اچ. آونور



میخائیل بولانی، -19761891

#### آیا پارادوکس پولانی مغلوب خواهد شد؟

اتوماسیون، که در دهه های گذشته در اثر در قدرت فزاینده تکنولوژی اطلاعات تکمیل شده است، تغییراتی را در تولیدوری به بار آورده که این تغییرات به نوبه خود بازار کار را مختل کرده اند. در مقاله حاضر بر این نکته تأکید شد که هر شغل متشکل از وظایف بسیار است و درحالی که اتوماسیون و کامپیوتری شدن می توانند جای برخی از این وظایف را بگیرند، درک رابطه بین تکنولوژی و کار مستلزم اندیشیدن به جوانب دیگر این رابطه، و نه فقط به موضوع نشستن تکنیک به جای کار، است. درک رابطه مذکور مستلزم اندیشیدن به رشته وظایفی است که به یک شغل شکل می دهند، و این که کار انسانی چگونه می تواند با تکنولوژیهای جدید تکمیل شود و تکامل یابد. نیز مستلزم اندیشیدن به نوسانات موجود در هزینه ها و درآمدهای خروجیهای متفاوت و پاسخهای بازار کار به این نوسانات است.

وظایفی که بیشترین دشواری را در برابر اتوماسیون قرار داده اند آنهایی اند که به انعطاف بالا، قوه دآوری، و عقل سلیم نیازمند اند. این مشخصه ها را تنها به صورت ضمنی و مستتر می توان فهم کرد. من بیشتر در این نوشته به پارادوکس پولانی اشاره کردم و آن را به اختصار توضیح دادم\*. در دهه گذشته، کامپیوتری شدن و رباتی شدن گامهای بزرگی در ورود به فضاهای فعالیت انسانی، که فقط تا چند سال پیشتر از آن قلمرو نامتصور و مرز نهایی تلقی می شدند، نهاده اند. از آن جمله اند: رانندگی، تجزیه و تحلیل زبانشناختی اسناد حقوقی، و حتی پیشبرد کارهای میدانی کشاورزی. آیا این پیشرفتها به معنای آن نیستند که پارادوکس پولانی به زودی اساساً مغلوب خواهد شد، به این معنا که اکثریت بزرگ وظایف به زودی اتوماتیزه خواهند شد؟

برداشت من از روند رویدادها جز این است. پارادوکس پولانی در واقع به ما کمک می کند دریابیم چه کارهایی هنوز انجام نشده اند. علاوه بر این کمک می کند راه هایی را ترسیم کنیم که با گذر از آنها نهایتاً کار بیشتر انجام خواهد شد. مشخصاً من دو راه متمایز را تشخیص می دهم که فعالیتهای مهندسی و علوم کامپیوتری می توانند با عبور از آنها وظایفی را اتوماتیزه کنند که ما "از قواعد آنها چیزی نمی دانیم": یکی کنترل محیط و دیگری آموزش ماشین. راه نخست پارادوکس پولانی را با وضع مقررات برای محیط، دور می زند؛ به نحوی که ماشینهای نسبتاً نامتعطف قادر خواهند بود به نحوی نیمه اتوماتیک و خودمختار عمل کنند. راه دوم پارادوکس پولانی را معکوس می کند: به جای این که به ماشینها مقرراتی را بیاموزد که برای ما غیرقابل فهم باشند، مهندسان ماشینهای اختراع خواهند کرد که می کوشند و از این رو قادر خواهند بود مقررات ضمنی را از متن وضعیت، داده های انبوه و آمارهای کاربردی استخراج کنند.

\* بیشتر در این مقاله، در تعریف و توضیح پارادوکس پولانی، آمده است:



وظایف بسیاری وجود دارند که انسانها آنها را به طور ضمنی درک می کنند و انجام می دهند، اما برای شان نه هیچ کامپیوتری و نه هیچ کس یا چیز دیگری نمی تواند "مقررات" یا جریان کاری را اعلام کند. این محدودیت را، با توسل به اسم پولانی - اقتصاددان، فیلسوف و شیمیدان که در سال 1966 اعلام کرد "ما بیشتر از آن چه می توانیم بر زبان آوریم، می دانیم" - "پارادوکس پولانی" نامیده اند. ما وقتی تخم مرغی را با زدن آن به لبه یک کاسه می شکنیم، با نگاهی اجمالی انواع متمایز پرندگان را تشخیص می دهیم، مقاله مستدلی می نویسیم، یا فرضیه ای را برای توضیح یک پدیده دشوار ارائه می دهیم، در همه حال درگیر وظایفی می شویم که فقط به طور ضمنی می دانیم برای انجام آنها چه باید بکنیم. در تعاقب مشاهدات پولانی، می توان گفت آن وظایفی دشوارترین وظایف برای اتوماسیون اند، که به انعطاف، قضاوت، بصیرت و عقل سلیم - یعنی مهارتهایی که فقط به طور ضمنی ادراک می شوند - نیازمند اند.

پارادوکس پولانی همچنین توضیح می دهد که چرا مهارتی چون استدلال عالی مستقیماً قابل کامپیوتری شدن است، اما بعضی مهارتهای حسی-حرکتی نه. استدلال عالی از یک سری ابزارهای منطق صوری بهره می گیرد که مشخصاً برای رسیدگی به مسائل صوری تدبیر شده اند؛ مثل محاسبه، ریاضیات، قیاس منطقی، و کدگذاری نسبتهای کمی. در مقابل، مهارتهای حسی-حرکتی، انعطاف پذیرهای فیزیکی، عقل سلیم، قضاوت، بصیرت، خلاقیت، و زبان محاوره قابلیت‌هایی هستند که نوع بشر آنها را، نه توسعه، بلکه تکامل بخشیده است. صوری کردن این قبیل مهارتها مستلزم "مهندسی معکوس" مجموعه ای از فعالیتهاست که ما معمولاً درکی ضمنی از آنها داریم.



**فعالین کارگری و مدنی را آزاد کنید!**



## حذف مقررات به شکل قانونی از روابط کار، نه اتفاقی است و نه قرار است متوقف شود! حسین اکبری



همه چیز بستگی به این دارد که کارگران با تمام قوا برای حفظ حقوق کار شناخته شده و رسمیت یافته در جهان به میدان آیند و ضمن جلوگیری از نقض مقررات حمایتی موجود در این قانون اتفاقاً بر کاستی‌ها و اشکالات عدیده این قانون نیز اعتراض کرده و بکوشند نقایص و مغایرت‌های این قانون را در مقایسه به حقوق کار شناخته شده و مقابله نامه‌های بین‌المللی از میان بردارند.

**\*نسرین هزاره مقدم:** از زمان تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ تا امروز، هجمه‌های مختلفی به این سند قانونی شده است؛ هجمه‌هایی که با خروج‌های مکرر از شمول قانون کار و آزادسازی‌های گسترده در صنایع مادر شروع شد و دامنه آن به جایی رسیده که امروز عده‌ای مطالبه‌ی حذف حداقل دستمزد را به عنوان اهرم رونق اشتغال مطرح می‌کنند. گفتگوی زیر درباره قانون کار و شرایط کنونی است که با حسین اکبری (فعال کارگری) انجام شده است او در این گفتگوی بر این نکته تأکید دارد: "اصلاحات در قانون کار نیاز به اصلاحات در ساختار بسیاری امور و نهادها دارد. با این مجلسی که در بهترین حالت دو سه نفر با عنوان نماینده کارگران در آن‌ها به شکلی گزینشی و تقریباً دائم‌العمر وجود دارد اصلاحات معنا ندارد. مجلسی که اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشانشان در آن فاقد نماینده هستند نه قانون کار؛ بلکه هیچ قانون دیگری را به سود این جمعیت تصویب نخواهد کرد."

**\* مقدم: قانون کار از زمان تصویب در سال ۱۳۶۹ تا امروز بارها مورد حمله قرار گرفته است؛ هر بار بهانه‌ای به دست آورده‌اند و به این سند قانونی تاخته‌اند؛ یک بار گفتند این قانون «منعطف» نیست؛ بار دیگر گفتند چون اخراج سخت است کارگر «بهره‌ور» نیست و بار دیگر -همین اواخر- از لزوم حذف حداقل دستمزد برای رونق اشتغال زایی سخن گفتند؛ شما چه آینده‌ای برای این سند قانونی متصورید؟ فکر می‌کنید آیا روزی موفق خواهند شد این سند قانونی را حتی روی کاغذ هم از اعتبار ساقط کنند.**

- اکبری: واقعیت این است که سرمایه‌داری ایران مثل همه سرمایه‌داران در کشورهای دیگر هیچ تمایلی با مقررات قانونی که به نوعی منافعهش را در مناسبات و روابط کار تحت تأثیر قرار دهد ندارد. پس از پیروزی انقلاب هم این عدم تمایل خودش را تحمیل می‌کرد دلش هم اینکه تصویب قانون کار کنونی بیش از یازده سال به درازا کشید. و اصطلاحاً در کریدور مجلس و شورای نگهبان در رفت و آمد بود و نهایتاً مجمع تشخیصی برای همین امر تشکیل شد و این شیر بی‌یال و دم و اشکم را به تصویب رساند. اما همین را هم بر نمی‌تابند و در مقاطع مختلفی تلاش کردند تغییرات جدی در آن اعمال کنند. البته آشکارا این قانون با ترفندهای مختلفی اجرا نمی‌شود و روابط و مناسبات کار مدت‌هاست قانون کار جای پای محکمی ندارد. در مناطق آزاد تجاری عملاً قانون کار تبدیل به چند ماده قانونی در مقررات ویژه مناطق آزاد و تجاری درآمده است، در کارگاه‌های زیر ده نفر که مدت‌هاست کارگران از شمول برخی مواد قانون کار خارج شده‌اند، در مواردی با دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی چون طرح استادشگردی و طرح کارورزی این قانون نقض می‌شود. خوب ممکن است این سؤال طرح بشود که چرا به همین حد کفایت نمی‌کنند و دائماً در تلاش برای تغییر رسمی این قانون هستند؟ روشن است که سیاست‌های گشایش درها برای ورود سرمایه خارجی و تعهداتی که ایران به سازمان تجارت جهانی در عمل باید بدهد بر اصل مقررات زدایی از روابط کار متکی است این کوشش و پیگیری سرمایه‌داری ایران در حذف مقررات به شکل قانونی از روابط کار نه اتفاقی است و نه قرار است متوقف شود. این هماهنگی با سرمایه جهانی از سوی عقب‌مانده‌ترین سرمایه‌داران ایران که هنوز مقررات کار را بر اساس فقه و مبتنی بر اصل تراز طرفینی دنبال می‌کند تا نتولیرالها که بی‌تردید لحظه‌ای برای مقررات زدایی از پا نخواهند نشست. نتولیرالیسم و نمایندگان آن در دولت و مجلس و سایر نهادها به خوبی می‌دانند که قانون کار در هر کشور مهم‌ترین قانون پس از قانون اساسی است به دو جهت این قانون مهم است هم به جهت نقش آن در روابط کار و هم به عنوان قانون مرجعی که



می‌تواند برای سایر زحمتکشان الگویی برای روابط آنها با کارفرمایان دولتی و پیمانکاران تأمین نیروی انسانی باشد آن‌ها خوب می‌دانند که قانون کار دستاورد بزرگی کارگران سراسر جهان در افسار زدن به تمایلات سیری‌ناپذیر سرمایه برای سود هرچه بیشتر و غارت دسترنج کارگران است در یک کلام سرمایه‌داری کارگران را کالا می‌داند و طبیعی است که برای خرید این کالا نهایت اختیار عمل را می‌خواهد و براین اعتقاد است که قانون یعنی سلب اختیار و آزادی اوست. این یعنی قانون بی‌قانون و یا قانون خوب آن است که منافع و آزادی اختیار را از سرمایه نگیرد. اما اینکه آیا روزی موفق خواهند شد این سند قانونی را از روی کاغذ هم بردارند یا نه، بستگی به این دارد که طبقه کارگر ایران آیا براین حالت پراکندگی فائق می‌آید و توان اعتراضی خود را با بالا بردن سطح همبستگی در مقابل دست‌اندازی‌های سرمایه‌داری ایران به نمایش خواهد گذاشت یا نه؟ آیا کارگران یکپارچه و متحد با درک این موضوع که دولت، مجلس و سایر نهادها در ایران نه میانجی بین کارگران و سرمایه‌داران بلکه طرف سرمایه‌داران است خواهند توانست سد محکمی در مقابل این تهاجم سنگین از سوی آنان علیه حقوق کار قرار دهند یا نه، همه چیز بستگی به این دارد که کارگران با تمام قوا برای حفظ حقوق کار شناخته‌شده و رسمیت یافته در جهان به میدان آیند و ضمن جلوگیری از نقض مقررات حمایتی موجود در این قانون اتفاقاً بر کاستی‌ها و اشکالات عدیده این قانون نیز اعتراض کرده و بکوشند نقایص و مغایرت‌های این قانون را در مقایسه به حقوق کار شناخته‌شده و مقابله نام‌های بین‌المللی از میان بردارند.

**\*مقدم: جدا از حملاتی که طیف مقابل برای تغییر قانون کار و کمرنگ کردن آن صورت می‌دهد، خود این قانون بعد از گذشت 29 سال از تصویب، بدون تردید نیازمند اصلاحاتی است؛ رفع ابهام در ماده هفت یا همان امنیت شغلی، برطرف نمودن موانع بر سر راه تشکیل یابی کارگران و ایجاد صراحت برای افزایش چندباره مزد در سال، از مواردی است که فعالان کارگری برای اصلاح قانون کار به آن اشاره می‌کنند؛ نظر شما چیست؟ کدام بخش‌های قانون کار نیازمند اصلاح است؟**

- اکبری: قانون کار از ابتدا نیز جامعیت لازم را نداشته است ضمن آن‌که از جهات بسیاری قابلیت تفسیر دارد و بدتر از آن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی نیز بر مواد این قانون نوشته‌شده است که بر ناکارایی مواد قانون نیز افزوده است. در فصل‌های مختلف قانون مواردی آمده است که شفافیت و صراحت آن را سلب کرده است و فهم آن را دچار اشکال می‌کند. نمونه آن تعاریفی که در مزد و حق السعی آمده است اینکه چه ضرورتی مزد را در کنار حق السعی آورده‌اند که حتی یک‌بار هم موضوع حق السعی در مذاکرات مزدی مورد توجه و دقت قرار نمی‌گیرد، خودش بیانگر این است که قانون مانع و جامع نیست. در بسیاری جهات در واقع قانون به سود کارفرمایان و دولت کارفرمایی است نمونه فصل ششم قانون کار که به طریق اولی حتی در مغایرت جدی با قانون اساسی است. و یا در کلی‌ترین وجه آن قانون اصالت حمایت از نیروی کار را ندارد. در حالی که قانون کار باید در جهت حمایت از نیروی کار باشد چراکه سرمایه‌داران و کارفرمایان همواره در روابط و مناسبات کار دست بالا را دارند و نیرویی فائده هستند. قانونی که علی‌ظاهر نوعی پایبندی را به سه‌جانبه‌گرایی یدک می‌کشد ولی در هیچ جای آن کارگر با کارفرما و دولت برابر حقوق نیست و بسیاری اشکالات اساسی مثل عدم صراحت در تمام‌شمول بودن قانون در روابط کار. قانون که تمام‌شمول و فراگیر نباشد و به کارکرد جزیره‌ای تنزل پیدا کند دیگر قانون کار یک کشور نیست. بدتر از همه اینکه ضمان اجرایی براین قانون سست و ناپایدار است. خب دلیل این امر هم روشن است قانونی که کارگران در تصویبش نقش نداشته‌اند و یا در بهترین حالت بنا به مصلحت تصویب‌شده است، چیزی بهتر از این نخواهد شد. قانونی که اجرای آن از سوی قوه‌ای نظارت نمی‌شود، هیچ‌گاه محک جدی نمی‌خورد و در نتیجه اگر قرار باشد اصلاحاتی هم در آن ایجاد شود در چنین شرایطی ممکن و مقدور نخواهد بود و نیاز به پیش‌شرطها و بستر و زمینه‌هایی دارد که متأسفانه در حال حاضر چنین امکانات و مقدوراتی وجود ندارد که هیچ بل که محدودیت‌های جدی هم بر سر راه اصلاح واقعی آن به سود کارگران ایجاد شده است.

**\*مقدم: آیا به انجام اصلاحات و به ثمر رسیدن آن‌ها امیدوارید؟ چه پیش‌شرطها و زیرساخت‌هایی برای اصلاح قانون کار مورد نیاز است؟ آیا بستر مناسب برای این اصلاحات فراهم است یا ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور فراهم شود؟**

- اکبری: اصلاحات در قانون کار نیاز به اصلاحات در ساختار بسیاری امور و نهادها دارد. با این مجلسی که در بهترین حالت دو سه نفر با عنوان نماینده کارگران در آن آن‌هم به شکلی گزینشی و تقریباً دائم‌العمر وجود دارد اصلاحات معنا ندارد. مجلسی که اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان در آن فاقد نماینده هستند نه قانون کار؛ بلکه هیچ قانون دیگری را به سود این جمعیت تصویب نخواهد کرد. در مورد تصویب یک قانون کار اولاً لازم است که کلیه کارگران کشور از راه انتخاب نمایندگان واقعی و مستقل خود در سازمان‌های کارگری در نوشتن پیش‌نویس قانون و یا اصلاحیه‌ها مشارکت جدی داشته باشند که در حال حاضر کارگران چنین اختیاری را ندارند، پس‌ازآن لازم است در نهاد قانون‌گذاری، کارگران به نسبت جمعیتشان نماینده داشته باشند تا هم ضمن اعمال اراده بر تصویب قانون کار واقعی بتوانند ضمان اجرایی قدرتمندی در اجرای این قانون از طریق نظارت بر حسن اجرای آن توسط دستگاه‌های اجرایی باشند که بازهم چنین نیست. اینکه این بستر چگونه فراهم می‌شود به عوامل گوناگونی بستگی دارد که مواردی از این عوامل عبارت‌اند از: اصلاح ساختار اقتصادی کشور و رویکرد اقتصاد به‌سوی تولید، به‌سوی توسعه اقتصادی و اجتماعی و بیش از هر چیز با محوریت شاخص توسعه انسانی در این رویکرد. برای نیل به این مهم هم بیش و پیش از هر چیز کارگران باید در این فرایند بتوانند نقش جدی خود را آزادانه از راه ایجاد سازمان‌های مستقل و فراگیر



خود ایفا کنند. هیچ راهی جز این برای داشتن مناسبات مبتنی بر برابر حقوق در روابط کار وجود ندارد. در حال حاضر کارگران نسبت به قانون کار حساسیت مثبتی ندارند چراکه آنچه موجب پذیرش آنها در بازار کار می‌شود هیچ نشانی از قانون ندارد. گروه‌هایی از سرمایه‌داران که اتفاقاً بابت تلاش‌های آنها لایحه دستمزد توافقی به مجلس رفته است خود با افتخار می‌گویند که هیچ‌گاه در محدوده فعالیت اقتصادی‌شان قانون را در مورد حداقل دستمزد رعایت نکرده‌اند. خب با این حساب کارگران نیازمند را قریبتی با قانون کار باقی نمی‌ماند پس قبل از هر چیز ضروری است که حساسیت‌های لازم در طبقه کارگر بر نیاز جدی به احقاق حقوق کار ناشی از تصویب یک قانون کار اجراءشدنی به وجود آید. متأسفانه نمایندگانی که در تشکلهای موجود اعم از رسمی و غیررسمی وجود دارند در این مورد کمترین فعالیت لازم را انجام داده‌اند و جالب اینکه برخی از تشکلهای رسمی سالگرد تصویب چنین قانونی را جشن هم می‌گیرند. کارگران ناگزیر از ایجاد بسترهای مناسب برای تغییر شرایط به سود خود و برای بهبود شرایط زندگی‌شان هستند ما هرروزه شاهد اعتراضات گسترده کارگری هستیم که به خاطر عدم اجرای قانونی که حافظ منافع آنها باشد به خیابان می‌آیند روزی نسبت که در ایران اعتراض کارگری نداشته باشیم. در روزهای ماه اسفند از کارگران راه‌آهن آذربایجان تا کارگران راه‌آهن مشهد و مناطق دیگر، کارگران کارخانه روغن نباتی گلنار در استان کرمان، کارگران شهرداری بروجرد، کارگران پارس جنوبی عسلویه، کارگران شهرداری شادگان، کارگران روغن نباتی جهان در زنجان، کارگران شهرداری پارس‌آباد مغان کارگران نی بر هفت‌تپه و ده‌ها واحد و کارخانه دیگر فقط در هفته‌های منتهی به سال ۱۳۹۷. خب این‌که در قانون کار جایی برای مجازات کارفرمایان به خاطر عدم پرداخت به‌موقع دستمزدها نیست و یا اگر مواردی هم آمده است آنقدر صراحت ندارد که کارفرمایان را وادارد به وظایفشان در مقابل کارگران کنند تنها یک مورد نقض حقوق کار است که تنها خود کارگران با این اعتراضات تلاش می‌کنند توجه مسئولین را به این‌همه بی‌قانونی و اجحاف و ستم روا داشته شده جلب کنند اما متأسفانه گوش شنوایی پیدا نمی‌کنند، پس ناگزیرند راه‌های مناسب را برای اعمال اراده حق‌طلبانه خود بیابند.

**\*مقدم: درنهایت در یک نگاه کلی، دلایل اجرایی نشدن بندهای مختلفی از قانون کار را در چه می‌دانید؟ آیا این قانون ضعف دارد یا کسانی که باید این قانون را اجرا کنند یا نه، ضعف اصلی از فقدان نظارت است.**

- اکبری: هم قانون ضعف‌های اساسی دارد و هم اراده‌ای برای اجرای درست آن بخش از قانون که قابلیت دفاع از حقوق کار را حفظ کرده است، وجود ندارد. در تحلیل نهایی متأسفانه کارگران بی‌دفاع‌ترین مردم این کشورند و ابزار دفاع از آنان گرفته شده است مهم‌ترین وسیله دفاعی کارگران در قانون به رسمیت شناخته نشده است کارگران باید بتوانند برای دفاع از تجاوز به حقوقشان اعتصاب کنند. حق اعتصاب برای کسانی که هیچ حامی در ساختار حقوقی و اجرایی و قضایی ندارند وسیله ایست که می‌تواند هشدارهای لازم را برای به خطر افتادن منافع طرف‌های مقابل بدهد تا بر افسارگسیختگی آزمندانه و حریصانه آنان مهار زند. کارگران بی‌دفاع‌ترین انسان‌های این کشورند حتی آنجا که دلسوزانه به خاطر چپاول ناشی از خصوصی‌سازی دست به اعتراض می‌زنند تا هم حقوق خود را حفظ کنند و هم منافع ملی را، حتی در این شرایط نه‌تنها به خواسته‌هایشان توجه نمی‌شود بلکه سرکوب هم می‌شوند. کارگران به خاطر فقدان قانون کاری که متضمن حقوق واقعی‌شان باشد از داشتن تشکل مستقل، آزاد و کارآمد محروم‌اند، امنیت شغلی و اجتماعی ندارند، در بدترین شرایط زیستی از نظر معیشت روزگار می‌گذرانند، از نظر سطح دستمزدها خیلی پایین‌تر از خط فقر قرار دارند و این‌ها یعنی فقدان اراده لازم در تصویب قوانین مردمی کارآمد در مصوبات مجلس‌ها در تمام ادوار و ضعف اجرای همین قانون دست‌وپاشکسته و اعمال بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های ضد کارگری از سوی همه دولت‌های تا کنونی. به‌رغم اعتراضات به این‌گونه بخشنامه و دستورالعمل‌سازی‌ها در سال‌های گذشته هیچ‌گاه این دستورالعمل‌ها لغو و خنثی نگردید، هیچ‌گاه مصوبات ضد کارگری دولت‌های نهم و دهم از سوی دولت یازدهم و دوازدهم لغو و خنثی نشد. پس می‌توان به‌جرئت و طاعتی گفت که کارگران چاره‌ای جز دخالت آگاهانه و سازمان‌یافته و مستمر در تعیین سرنوشت خود ندارند.

شاید بهترین چیزی که بتواند این حقیقت ناگزیر را نشان دهد این بیت است که: کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من

**\*\*منبع: وبلاگ کار در ایران**

**از مبارزه کارگران و عدالت خواهان علیه تضعیف حقوق قانونی کارگران  
حمایت کنیم!**





## به یاد کارگر فدائی، حسین قاسم نژاد

### یداله بلدی



زنده یاد حسین قاسم نژاد در اوائل دهه ۳۰ در تهران متولد شد، حسین به علت تنگناهای مالی نتوانست دوره دبیرستان را به پایان برساند و برای تامین هزینه های زندگی، در یک کارگاه خیاطی بکار مشغول شد. قاسم نژاد تحت تاثیر یکی از بستگانش که سال های بعد در جنبش فلسطین جانفدا شد و همچنین دوست و هم محله دوران کودکی و نوجوانی اش زنده یاد "مارتیک قازاریان" در ارتباط با چریک فدائی قرار گرفت و به مطالعه و فعالیت سیاسی روی آورد.

حسین درسال ۵۲ در ارتباط با یک گروه دانشجویی هوادار جنبش فدائی دستگیر شد و چون تنها عضو کارگر این گروه بود، بیش از دیگران مورد شکنجه قرار گرفت و بخاطر جراحات ناشی از شکنجه و وخامت وضعیت جسمی اش، ساواک او را در بیمارستان شهربانی بستری کرد.

این کارگر آزاده در بیدادگاه های نظامی به ۳ سال زندان محکوم شد. رفتار آرام و فروتنانه حسین در زندان مورد احترام تمام زندانیان بود. او که رنج و فقر زحمتکشانش را تجربه کرده بود، کوشش می کرد تا دانش و توانائی تئوریک خودش را که فقر از او دریغ داشته بود، در زندان ارتقا دهد. حسن پس از سپری کردن ۳ سال زندان و ۶ ماه ملی کشی در اواخر سال ۵۶ از زندان آزاد شد.

او پس از انقلاب، در سازمان فدائی فعالیت داشت و در هنگام انشعاب به جناح (اکثریت) پیوست و در کمیته شهر و کارگری، کرج فعالیت داشت و کوشش های زیادی برای سازماندهی کارگران، بویژه کارگران خیاط و صنوف در سندیکای کارگران خیاط و دیگر سندیکاها می کرد و خود نیز در فعالیت های سندیکایی شرکت داشت.

در یورش سال ۶۵ به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حسین نیز دستگیر شد و این بار در زیر شکنجه های وحشیانه شلاق بدستان ولایت فقیه قرار گرفت و در بیدادگاه ملایان فرصت طلب، به اعدام محکوم شد. طبق گفته زندانیان جان بدر برده آن سال های فاجعه بار، حکم اعدام هیچگونه خللی در باورهای آزادیخواهانه و عدالتخواهانه او ایجاد نکرد و عقیده راسخ خود را که عشق به توده های زحمتکش بود همچنان حفظ کرده بود. هنوز حکم اعدام او در جریان بود که شهربور خونین فرا رسید و این کارگر صادق و فروتن هم به همراه هزاران تن دیگر اعدام و به کاروان جانبختگان راه آزادی و عدالت پیوست.

**یاد همه جانبختگان راه آزادی و عدالت گرامی باد!**



## چگونه اعتصاب معلمان اوکلند پیروز شد؟

بخش پنجم و پایانی

بقلم اریک بلانک

ترجمه گودرز



### برآورد نتیجه اعتصاب - ادامه

بطور کلی این احساس عدم رضایت و فشار بدنه اتحادیه برای رای منفی به قرارداد جدید همه نشان مثبت از رشد توان اتحادیه ها و کنشگری و پویایی است که این اعتصابات پی در پی در ماه های اخیر ایجاد کرده است. آموزگاران و کارکنان آموزشی بدنبال تجربه این اعتصاب ها چنان تحول یافته اند که به سادگی به تغییرات جزئی تن نمی دهند.

تضاد موجود بین افزایش امید و قرارداد نهائی در اوکلند بویژه از این رو احساس می شود که شرایط مالی بحرانی ناحیه آموزش و پرورش واقعیت دارد، در حالی که روحیه بالا و ستیزه جوی اعتصاب کنندگان و عدم کوشش اتحادیه برای پایین آوردن انتظارات سیاسی اعضا قبل و در جریان اعتصاب همه و همه استثنائی است. با پیش راندن انتظارات بلندپروازانه و درعین حال منطقی اعتصاب کنندگان و مبارزه هفت روزه در خطوط اعتصاب با مدارس تعطیل شده این جنبش فضای سیاسی شهر اوکلند را کاملاً تغییر داد، و همزمان صحنه را برای عدم رضایت بخش بزرگی از معلمان و دانش آموزان آماده کرده بود.

باید در نظر داشت که اتحادیه OEA به شایستگی متعهد شد که بیست و چهار ساعت وقت برای مذاکره و مناظره بین بدنه اعضا و رای گیری بگذارد و آن را به طور دموکراتیک به اجرا گذاشت و با رای اکثریت مطلق اعضا توافق را مورد تایید قرار داده و جلو برد.

در حالی که بسیاری از رهبران در اتحادیه های دیگر یکجانبه توافقاتی را با کارفرما انجام داده و آن را به عنوان پایان مبارزه اعلام کرده و به اعضا تحمیل نموده اند، اتحادیه OEA به معلمان عضو اجازه داد یک آخر هفته کامل در مورد توافق بحث کنند و شور و غور نمایند. در حالی که اعتصاب های دیگری در ساکرامنتو و سان رامون هم در آینده نزدیک محتمل هستند، ادامه پیروی از روش دموکراتیک اتحادیه در اوکلند معیار مناسبی برای کنش سیاسی در مناطق دیگر خواهد بود.

در پایان بیش از 60% اعضا به توافق بدست آمده رای موافق دادند. این تقسیم آراء نشان دهنده آن است که گرچه توافق قدمی به جلو است اما به طور قابل توجهی هم کمتر از انتظار بخش عمده ای از اعضاست. علیرغم نتیجه به دست آمده، این یک واقعیت انکارناپذیر است که مبارزه برای بهبود وضعیت آموزشی تازه در آغاز راه است.

گرچه برخی ممکن است مدعی شوند که حداقل برای مدتی نیاز به استراحت دارند، اما وقت زیادی برای بی عملی باقی نمانده است و مبارزه برای اصلاح سیستم بودجه ایالتی برای آموزش باید بلافاصله به سطح بالاتری ارتقاء یابد.

مهم ترین مسئله در این میان هماهنگی بین مراکز کار متعدد در اوکلند است و مبادله تجارب و گفتگوی رهبران و تشکیل شبکه های خودگردان برای مبارزه مشترک بین این حرفه ها و تمرکز در اتحادیه های آنهاست. از آنجا که مبارزه علیه خصوصی سازی و قطع بودجه برای به تعطیل کشاندن خدمات عمومی همچنان رو به اوج دارد، گام بعدی باید بسیج سراسری و توانمند اتحادیه



ها در تمام ایالت باشد، مشخصاً برای آن که قوانینی در مجلس ایالتی تصویب شوند که مانع تبدیل مدارس عمومی به مدارس خصوصی قراردادی باشند. همچنین برای لغو لایحه ۱۳ که باعث کاهش بی رویه مالیات برای خدمات عمومی و دولتی شده است، باید پویش های گسترده ای را سازمان داد.

و اما، با وجود مبارزات پیش روی، اعضای اتحادیه آموزشی اوکلند باید از پیروزی خود مسرور باشند. تحرک عمومی، ستیزه جویی و توان سازماندهی در محیط کار که با این اعتصاب رشد کرده است روند بازی را برای شهر و محیط سیاسی اوکلند به کل تغییر داده است. دلایل زیادی برای تأیید حس خوب اولین رامیرز در ملرژ وجود دارد که می گوید: "ما همه باور داریم که این تازه آغاز کار است. در طی سال های آینده کار بیشتری لازم است تا خصوصی سازی مدارس متوقف شود، اما بعد از این اعتصاب من کاملاً اعتماد به نفس دارم که ما پیروز از این صحنه بیرون خواهیم آمد.

\* درباره نویسنده:

اریک بلانک در باره جنبش کارگری در گذشته و حال می نویسد. او معلم سابق دبیرستان در خلیج سانفرانسیسکو بوده و نویسنده کتابهای "شورش ایالت سرخ" و "اعتصاب معلمان و سیاست طبقه کار" است.

\*\* 4 مارس 2019 مجله ژاکوبین <https://jacobinmag.com>



## فراخوان یاری به سیل زدگان



از هم میهنان سیل زده حمایت کنیم!



## برگهایی از تاریخ جنبش سندیکایی ایران - ۹

### گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



در قسمت‌های گذشته این نوشته به حمایت وسیع کارگران و اتحادیه‌های عضو شورای متحده مرکزی از ملی کردن نفت و مشارکت آن‌ها در همایش‌های گسترده و مردمی ۳۰ تیر در تهران، اصفهان و شهرهای خوزستان اشاره کردیم. باوجود این حمایت‌های گسترده و مؤثر که در خنثی کردن توطئه‌های دربار برای برکنار کردن مصدق و بازگشت سرافرازانه و آبرومندانه وی به کاخ نخست‌وزیری داشت، اما شواهد زیادی در دست هستند که نشان می‌دهند دولت مصدق نیز به‌رغم اینکه نه نقشی در سرکوب اتحادیه داشت و نه علیه آن‌ها اقدامی انجام داده بود ولی به فعالیت اتحادیه‌های کارگری علاقه‌ای نشان نمی‌داد. دولت مصدق برخلاف دولت قوام و دولت‌های پیشین که همگی و البته با نیت سوء هرکدام اتحادیه‌های کارگری حامی خودشان را تشکیل داده بودند در این زمینه ولی اقدامی نکرد. بررسی اسناد باقی‌مانده در این خصوص نشان می‌دهد که دولت مصدق اصولاً اعتقادی به اتحادیه‌های کارگری نداشته است و یا اینکه اتحادیه‌ها را مغایر با اهداف و منافع خودشان تلقی می‌کردند. اولین وزیر کار دولت مصدق مجدداً ابراهیم امیر تیمور کلالی نیز که مانند سلف پیشین خود که همگی تبار اشرافی داشتند تبار اشرافی داشت ولی مانند وزرای کار دولت‌های قبلی که بیشتر فعالیتشان دسیسه‌چینی برای از میان برداشتن اتحادیه‌های کارگری واقعی بود، بهر دلیل از این کار ظاهراً در دوران وزارتش حذر می‌کرده است. ولی در عین حال او هم از ثبت قانونی اتحادیه‌ها به‌طور کلی طفره می‌رفته. زمانی هم که در کنگره یکی از اتحادیه‌های دولتی هیئت‌رئیس کنگره از سیاست‌های دولت مصدق انتقاد کرد دولت باوجود آگاهی از حامیان درباری و خارجی اتحادیه مذکور هیچ اقدامی علیه آن انجام نداد. در ۲۸ تیر "ابراهیم عالمی" وزیر کار شد و به دنبال آن "نفیسی" معاون باسابقه این وزارتخانه که همیشه با کمک و همدستی دربار نقش اساسی در سرهم‌بندی کردن اتحادیه‌های کارگری درباری داشت از معاونت وزارت کار استعفا داد. و ابتدا یک استاد دانشگاه "بنام افشاری" و سپس "شاپور بختیار" که خود سابقه تشکیل یک اتحادیه قلابی ناموفق را در سال ۱۳۲۶ داشت جای نفیسی را گرفت. احتمالاً انتصاب بختیار به خاطر تغییر نگاه دولت مصدق یا حداقل وزیر دوم کار دولت مصدق نسبت به اتحادیه‌های کارگری باید بوده باشد. عمر کوتاه دولت مصدق که با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ پایان گرفت، فرصتی برای آزمودن نتیجه معاونت بختیار و رویکرد واقعی دولت مصدق به اتحادیه باقی نگذاشت.

بعد از ملی شدن نفت فعالیت‌های اتحادیه‌ای در صنایع نفت نیز برای مدتی دچار افت شد. تبلیغات و نگاه ظاهراً منفعلانه دولت مصدق نسبت به اتحادیه‌ها در افت فعالیت‌های اتحادیه‌ای نقش بسزایی داشت. دولت به خطا به نقشی که اتحادیه می‌توانستند برای بقای دولت منتخب و ملی مصدق و خنثی کردن توطئه‌های دربار و حامیان انگلیسی و آمریکایی اش و جلوگیری از کودتا و به‌طور کلی حفظ و گسترش آزادی‌های به‌دست‌آمده که برای حفظ و تثبیت ملی شدن نفت الزامی بود توجه نکرد. این بی‌توجهی در حالی بود که اتحادیه‌ها با وجود این‌که غیرقانونی شده بودند و وزرای کار مصدق هم حاضر به ثبت رسمی و تجدیدنظر در مورد وضعیت آن‌ها نمی‌شدند، چنانکه گفته شد نقش بزرگ و غیرقابل‌انکاری در ملی کردن نفت و بازگردان مصدق به قدرت در ۳۰ تیر داشتند. طنز تلخ قضیه در این بود که در همان حال که حاضر به ثبت اتحادیه‌های کارگری واقعی نمی‌شدند، میدان فعالیت قانونی برای اتحادیه‌های کارگری قلابی که تحت حمایت دربار و سفارتخانه‌های امریکا و انگلستان و همدست کودتاچیان بودند را بازگذاشته بودند.



بعد از کودتا تهاجم وحشیانه کودتاچیان به دفتر شورای متحده شروع شد و مدتی طولانی ادامه یافت. در واقع بیشترین ضربات بر حزب توده ایران یگانه حزبی که در دوره ۱۲ ساله فعالیتش از حق و حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری حمایت می‌کرد و بر شورای متحده مرکزی که به‌رغم همه محدودیت و فشارهایی که از طرف دربار، سرمایه‌داران و نیروهای واپس‌گرا و استعمارگران خارجی بر سر راه فعالیتش قرار داده بودند توانسته بود با سازمان‌دهی بخش بزرگی از کارگران و مزدبگیران پدی و فکری در اتحادیه‌های کارگری و آموزش و تربیت آن‌ها بهبودهای چشمگیری در وضعیت معیشتی، اجتماعی و سیاسی‌شان به وجود آورد وارد شد. با سرکوب اتحادیه‌های واقعی در واقع امکان استقرار آزادی‌های اساسی و رهایی از پس‌ماندگی اقتصادی و سیاسی به حسرتی تبدیل شد که با وجود گذشت نزدیک به ۷۰ سال از کودتا دوم سلسله پهلوی و حامیان داخلی و خارجی‌شان همچنان در دل آزادبخواهان ایران باقی است!

\*در جنگ بعدی برگ‌های دیگری را مرور می‌کنیم.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس  
زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران  
(فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**یاد پیشروان و مبارزان جنبش سندیکایی گرامی باد!**